



آدینه هر مزدِ بهمن بررسی گاهشماری بیتی از شاهنامه

اکبر نحوی (دانشگاه شیراز)

تقدیم به استاد منصور رستگار فسایی

همه اطلاعات ما درباره سال ولادت فردوسی منحصر است به اشاراتی که فردوسی در شاهنامه به سال‌هایی از عمر خود کرده است و پژوهندگان، هریک با دلایلی، سال‌های ۳۱۸ تا ۳۲۹ را سال تولد او دانسته‌اند (← ریاحی، ص ۴۸۳). از آن میان، سال ۳۲۹ که از اشعار زیر به دست می‌آید بیشتر پذیرفته شده و به‌ظاهر پشتوانه استوارتری دارد. در داستان جنگ بزرگ کیخسرو آمده است:

بدان‌گه که بُد سأل پنجاه و هشت نوان‌تر شدم چون جوانی گذشت
خروشی شنیدم زگیتی بلند که اندیشه شد تیز و تن بی‌گزند
که ای نامداران و گردنکشان که جُست از فریدون فرخ نشان
فریدون بیداردل زنده شد زمین و زمان پیش او بنده شد

(فردوسی ۱، ج ۴، ص ۱۷۲، ابیات ۴۳-۴۶)

منظور از فریدون بیداردل محمود است که، بنابر روایت‌های معتبر، به سال ۳۸۷ در بلخ بر تخت شاهی نشست (ابن‌بابه، ص ۲۵۹؛ منهاج سراج، ص ۲۲۹) و، در این هنگام، فردوسی پنجاه و هشت سال داشت؛ پس در سال ۳۲۹ (۳۸۷ منهای ۵۸) متولد شده بود.

جای دیگر، در پایان شاهنامه، آمده است:

چو سال اندر آمد به هفتاد و یک همی زیر بیت اندر آرم فلک
... سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سپندارمذ روز آرد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان‌دور کردگار

(همان، ج ۸، ص ۴۸۷-۴۸۸، ابیات ۸۵۷ و ۸۹۳-۸۹۴)

در اینجا نیز، سال ۳۲۹ (۴۰۰ منهای ۷۱) به دست می‌آید. (فردوسی ۳، ص ۷۸-۸۰؛ صفا، ص ۱۷۲؛ خالقی مطلق، ص ۴)

فردوسی، در اشاره‌ای دیگر، سال‌های عمر خود را به تقویم یزدگردی به دست داده که ما را به تاریخ دقیق‌تری از سال تولد او راهنمایی می‌کند. به این مورد، نخستین بار شاپور شهبازی توجه نمود و مقاله «زادروز فردوسی» را بر مبنای آن نوشت. چکیده گفتار او به شرح زیر است. فردوسی، در پایان داستان اورمزد شاپور، می‌گوید:

(۱) شب اورمزد آمد از ماه دی ز گفتن بیاسای و بردار می

(فردوسی ۱، ج ۶، ص ۲۶۰، بیت ۹۰)

و هشتاد و یک بیت پایین‌تر، نخستین بار از شصت و سه سالگی خود می‌گوید:

(۲) می لعل پیش آور ای روزیه چو شد سال گوینده بر شست و سه

(همان، ص ۲۷۶، بیت ۹)

و هفتصد و بیست و هفت بیت بعد، بار دیگر از شصت و سه سالگی خود یاد می‌کند:

(۳) چو آدینه هرمزد بهمن بود بر این کار فرخ نشیمن بود

می لعل پیش آورم هاشمی ز بیشی که خنیش نگیرد کمی

چو شست و سه شد سال و شد گوش کر ز گیتی چرا جویم آیین و فر

(همان، ص ۳۴۱، ابیات ۶۵۷-۶۵۹)

شاپور شهبازی می‌گوید: فردوسی بیت‌های (۱) تا (۳) (هشتصد و ده - ۸۱۰ - بیت) را ظرف یک ماه سروده است. منظور از «شب اورمزد» غروب روز ۳۰ آذر است و، در میان سال‌های یزدگردی، تنها، در سال ۳۷۱، «هرمزد بهمن» (یکم بهمن) به روز «آدینه» می‌افتاده است که برابر بوده با جمعه ۱۴ ژانویه ۱۰۰۳ میلادی و، در این هنگام، فردوسی شصت و سه ساله بود. بنابراین، وی باید در سال ۳۰۸ (۳۷۱ منهای ۶۳) یزدگردی (برابر با ۳۲۹ قمری) متولد

شده باشد. وی می‌افزاید: فردوسی، چون بیت‌های (۱) تا (۳) (هشتصد و ده بیت) را طی سی روز (به طور متوسط روزی ۲۷ بیت) سروده، پس بیت‌های (۱) تا (۲) (۸۱ بیت) را باید در سه روز سروده باشد، لذا بیت (۲) را که، در آن، نخستین بار از شصت و سه سالگی خود می‌گوید، روز ۳ دی ۳۰۸ یزدگردی برابر با جمعه سوم ژانویه ۹۴۰ میلادی سروده است و این زادروز فردوسی است (شاپور شهبازی، ص ۲۸۱-۲۸۳). چند سال بعد مرادی غیاث‌آبادی «به منظور جلوگیری از به هم ریختگی بیشتر واقعیت‌های شاهنامه و زندگی فردوسی» کتابی با عنوان زادروز فردوسی منتشر ساخت و، در آن، «بیست و هشت اشتباه تقویمی در دو صفحه» از مقاله «زادروز فردوسی» را باز نمود. به نظر او، اصولاً مطابقت دادن یک روز خاص از تقویم یزدگردی (مانند یکم بهمن) با روزی از سال‌های اعتدالی (مانند میلادی یا شمسی) ممکن نیست؛ زیرا، در گاهشماری یزدگردی عصر اسلامی، نظام کیسه‌گیری معمول نبوده لذا سال یزدگردی نسبت به سال میلادی، که دارای نظام کیسه‌گیری است، «گردان» می‌شده است. حال چگونه می‌توان یکم بهمن را با روز جمعه ۱۴ ژانویه ۱۰۰۳ مطابقت داد؟ ما تنها می‌توانیم یک سال یزدگردی را با یک سال میلادی تطبیق دهیم و «روزها و ماه‌های آن به دقت تطبیق‌پذیر نیستند» (مرادی غیاث‌آبادی، ص ۱۱). گفتار منجمان و اخترشناسان قدیم نیز قابل استناد نیست؛ زیرا سخنان آنان هم «فاقد هماهنگی و آکنده از اظهارات متناقض و متفاوت است و به هیچ روی امکان برآوردی صحیح را به دست نمی‌دهند». (همو، ص ۱۸)

مرادی غیاث‌آبادی حتی در اینکه منظور فردوسی از «هرمزد بهمن» گاهشماری یزدگردی باشد تردید کرده و بر آن است که

عموماً عقیده بر این بوده که او [فردوسی]، برای روز و ماه، از گاهشماری یزدگردی استفاده می‌کرده است. اما این نکته را نمی‌توان با قاطعیت پذیرفت، چرا که احتمال استفاده او از گاهشماری خراجی، معتضدی، فارسیه و یا گاهشماری‌های خورشیدی دیگر نیز وجود دارد. انگیزه چنین اعتقادی در این بوده است که تصور می‌شده استفاده از نام روزها مانند هرمزد، بهمن و غیره خاص گاهشماری یزدگردی می‌بوده، در حالی که استفاده از چنین نام‌هایی به جای شماره روز در دیگر گاهشماری‌های ایرانی نیز متداول بوده است. (همو، ص ۲۹)

باریک‌نگری‌های مرادی غیاث‌آبادی ستودنی است اما برخی اظهارات ایشان از جمله آنچه نقل شد پذیرفتنی نیست. گاهشماری خراجی و معتضدی برای افتتاح

خراج وضع شده بودند و استفاده از آن رسم و قاعده معمول در دیوان خراج بود و هیچگاه مردم عادی آنها را در زندگی روزانه خود به کار نمی‌بردند. گاهشماری فارسیه نیز همان گاهشماری یزدگردی است تنها مبدأ آن فرق می‌کند و در نام و شمار روزهای سال فرقی با یزدگردی ندارد. از «گاهشماری‌های خورشیدی دیگر» هم که در عصر فردوسی کاربرد همگانی داشته باشد چیزی سراغ نداریم. شاید منظور گونه‌هایی از گاهشماری‌های محلی باشد که در مناطقی از ایران از جمله روستاهای مازندران یا اطراف کاشان رواج داشته که البته طرح چنین تقویم‌هایی در برابر تقویم یزدگردی که در دوران فردوسی و حتی تا قرن هفتم رایج‌ترین شیوه محاسبه تاریخ پس از تقویم قمری و حتی مورد استفاده برخی از تاریخ‌نگاران و منجمان غیر ایرانی بود، موجه به نظر نمی‌رسد.

با این حال، باید حق را به مرادی غیاث‌آبادی داد. مقاله «زادروز فردوسی»، به رغم زحماتی که برای آن کشیده شده، بنیاد استواری ندارد و از آنجاکه نویسنده آن، در ذهن خود، به دنبال سال ۳۲۹ بوده، در نقطه‌ای حساس مرتکب خطای فاحش شده و زحماتش بر باد رفته است. چنان‌که خواهد آمد، از ابیات شاهنامه که فردوسی، در آنها به سال‌هایی از عمر خود اشاره کرده سال ۳۰۸ یزدگردی (= ۳۲۹ قمری) به دست نمی‌آید بلکه ما را به تاریخ دقیق‌تری از سال تولد فردوسی رهنمون می‌گردد و منظور او را از «بدانگه که بُد سال پنجاه و هشت» و «چو سال اندر آمد به هفتاد و یک» روشن‌تر می‌کند.

پیش از پرداختن به این موضوع، ذکر این نکته لازم است که فردوسی، در آن ابیات از دو تقویم قمری (آدینه) و یزدگردی (هرمزد بهمن) یاد کرده است. بنابراین، در این جستار، تاریخ‌ها علاوه بر یزدگردی به تقویم قمری نیز به دست داده خواهد شد. و این، هرچند چندان آسان نیست، به طریقی میسر گشته است.

نخست ببینیم در کدامیک از سال‌های یزدگردی اول بهمن به روز آدینه می‌افتاده است. همه منجمان و صاحب‌نظران به اتفاق نوشته‌اند که مبدأ تاریخ یزدگردی (یکم فروردین)، در آن سالی که یزدگرد شهریار بر تخت نشست، روز سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۱ هجری قمری بوده است. (فرغانی، ص ۷، فقط به روز سه‌شنبه اشاره می‌کند؛ بتانی، ص ۱۰۲، تصریح نمی‌کند ولی از محاسباتش در خصوص سال‌های یزدگردی برمی‌آید که سه‌شنبه را

مبدأ می‌دانسته است؛ بیرونی، ص ۲۶۰، مثل بتانی؛ قطان مروزی، ص ۱۷۷، تاریخ را به طور کامل ذکر می‌کند؛ تقی‌زاده، ص ۴ حاشیه؛ همائی، ص ۴۲۱)

از سوی دیگر، هر سال یزدگردی ۳۶۵ روز است یعنی پنجاه و دو هفته به اضافه یک روز (۳۶۵=۱+۷×۵۲). اول فروردین، چون در سال اول یزدگردی روز سه‌شنبه بوده، در سال دوم به روز چهارشنبه و در سال سوم به روز پنجشنبه... می‌افتاده است. جدول زیر روز هفته یکم فروردین را تا سال ۲۱ یزدگردی نشان می‌دهد:

روز هفته	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	

همچنین اول بهمن، سیصد و ششمین روز از هر سال یزدگردی است:

$$۳۰۶ = ۳۰۰ + ۱ + (۵ + ۳۰ \times ۱۰) \text{ (فروردین تا دی)}$$

بنابر محاسبه، هر سال یزدگردی که اول فروردین آن روز دوشنبه باشد، سیصد و ششمین روز (اول بهمن) آن به روز آدینه می‌افتد. بنابراین، سال‌های ۷، ۱۴، ۲۱... و هر سالی که ضریبی از هفت باشد مانند ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۸... اول بهمن روز آدینه بوده است. از منظور فردوسی از «آدینه هرمزد بهمن» بی‌گمان سال ۳۷۱ (از سال‌های ضریب ۷) بوده است؛ زیرا این سال با ماه‌هایی از سال‌های ۳۹۲ و ۳۹۳ قمری مطابق است و از قرائن برمی‌آید که فردوسی در همین بُرههٔ زمانی مشغول نظم ابیاتی بوده که در آنها به سال‌های عمر خود اشاره کرده است (← خالقی، ص ۸). لذا روز هفتهٔ اول بهمن را در این سال به روشی دیگری نیز می‌توان به دست آورد: اول فروردین سال ۳۷۱ یزدگردی روز دوشنبه بوده است؛ حال اگر به ازای هر ماه دو روز به روزهای هفته بیفزاییم روز هفتهٔ اول ماه‌های بعد از فروردین به دست می‌آید. بنابراین، روزهای هفته از اول اردیبهشت تا اول آبان ۳۷۱، به ترتیب، چهارشنبه، جمعه، یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه، دوشنبه بوده است. چون روز اول آبان دوشنبه بوده، روز اول آذر نیز به روز دوشنبه می‌افتد (با توجه به اندرگاه

در پایان آبان) و اول دی به روز چهارشنبه و اول بهمن ۳۷۱ به روز جمعه (این قاعده برای سال‌های یزدگردی عصر فردوسی صدق می‌کند نه تقویمی که امروزه میان زردشتیان ایران معمول است). این قاعده به سیر قهقرایی نیز درست است (تأکید بر این مسئله برای رفع هرگونه شک و شبهه است). مطابق جدول، اول فروردین ۳۷۲ به روز سه‌شنبه می‌افتد (این سال به اصطلاح، از سال‌های دوری یزدگردی است که اول فروردین به روز مبدأ یعنی سه‌شنبه بازمی‌گردد). حال، اگر به ازای هر ماه از ماه‌های پیش از فروردین، دو روز از روزهای هفته بکاهیم، روز هفته اول ماه‌های پیش از فروردین به دست می‌آید، پس اول اسفند ۳۷۱ یکشنبه و اول بهمن ۳۷۱ جمعه بوده است. (این قاعده را باز آبان ماه به هم می‌زند که پرداختن به آن ضرورتی ندارد؛ نیزه‌همانی، ص ۴۲۱ حاشیه).

اینک ببینیم که آدینه اول بهمن ۳۷۱ یزدگردی با کدام روز و ماه و سال از گاهشماری قمری برابر می‌شود. در اینجا کار بسیار دشوار است؛ زیرا، در گاهشماری قمری، سال به دو روش محاسبه می‌شود: یکی به روش نجومی (متوسط، اوسط)؛ دیگری به روش حقیقی. (دیدن ماه نو، رؤیت هلال)

در روش اول، کار نظم و ترتیبی مشخص دارد: ماه‌های فرد (محرم، ربیع‌الاول...) سی روز و ماه‌های زوج (صفر، ربیع‌الثانی...) بیست و نه روز در نظر گرفته می‌شوند که در جمع می‌شود ۳۵۴ روز و، از آنجا که طول متوسط هر سال قمری ۳۵۴ روز و کسری (۳۶۷ هزارم روز) است، هر چند سال یک بار، به ترتیبی خاص، سال را کیسه می‌گیرند یعنی ذیحجه سی روز محاسبه می‌شود. با این روش، می‌توان تقویم‌هایی تنظیم کرد که روزها و ماه‌ها و سال‌های قمری را از مبدأ آن تا چند هزار سال بعد نشان دهد. جدول‌های ووستنفلد و گاهنامه استاد بیرشک (بخش تطبیق سال‌های قمری) بر همین مبنا تنظیم شده‌اند.

اما در روش حقیقی، سال و ماه با دیدن ماه نو (رؤیت هلال) مشخص می‌گردد. بنابراین، کیسه‌گیری مناسبتی ندارد بلکه، با دیدن ماه نو، از ماهی به ماهی دیگر وارد می‌شویم. استاد بیرشک این شیوه را چنین توضیح داده است:

در گاهشماری مَهِی [= قمری] حقیقی روز اول هر ماه با دیدن یا از روی محاسبه دیدن ماه نو مشخص می‌شود. ماه‌ها، به جای آنکه یک در میان سی روزی یا بیست و نه روزی باشند، ممکن است گاهی چهار ماه پشت سر هم سی روزی (ماه تام) یا سه ماه پشت سر هم بیست و

نه روزی (ماه ناقص) باشند. بدین ترتیب، نگاه داشتن حساب کیسه مفهومی ندارد و گاهشماری به طور طبیعی و بر اساس دیدن ماه نو است. این وضع سبب می‌شود که در نقاط مختلف، در نتیجه دیدن ماه نو، در تاریخ اختلاف پیدا شود. به علاوه، چون قاعده و دستور منجزی در کار نیست، راجع به گذشته (مگر آنکه تقویم مربوط به آن در دست باشد) و آینده کاری نمی‌توان کرد... در نتیجه این اختلاف در نوع محاسبه، همواره باید انتظار داشت که میان تاریخ‌هایی که بر اساس قاعده و تقویم مهبی متوسط محاسبه می‌شود با تاریخ‌های مهبی حقیقی یک تا دو روز اختلاف پیدا شود^۱. (بیرشک، ص ۲۰۳)

چون فردوسی آدینه را به تقویم حقیقی قمری به دست داده است، برای پی بردن به اینکه آدینه اول بهمن ۳۷۱ چندمین روز از کدام ماه قمری بوده است، نمی‌توان از روش متوسط استفاده کرد؛ زیرا، به احتمال نزدیک به یقین، نتیجه کار یک و چه بسا دو روز با حقیقت اختلاف پیدا خواهد کرد. بنابراین، تنها راه ممکن استفاده از تقویم‌های عصر فردوسی است که روزها را به صورت حقیقی آن نشان می‌دهند.

یکی از معاصران فردوسی، هلال صابی (۳۵۹-۴۴۸) مورخ مشهور است. وی تاریخی داشته است که فقط بخشی از جلد هشتم آن باقی مانده که شامل شرح حوادث آخرین

(۱) ذکر نمونه‌هایی از اختلاف بین سال قمری حقیقی و متوسط خالی از فایده نیست. ابن جُبَیر، در سفرنامه خود (ص ۶۵)، می‌گوید: «امروز آدینه سی‌ام ماه شوال سال پانصد و هفتاد و هشت است که من بر روی دریا... به نگارش این سفرنامه آغاز می‌کنم». مطابق جدول‌های ووستنفلد، این روز همان روز جمعه بوده است. اما یک ماه بعد، ابن جُبَیر (ص ۷۰) می‌گوید: «آغاز این ماه (ذیحجه) روز یکشنبه و دومین روز اقامت ما در اسکندریه بود». ولی مطابق همان جدول‌ها این روز دوشنبه است. اختلاف یک روز ظرف یک ماه ناشی از آن است که، در سال ۵۷۸ ذیقعده ۲۹ روز بوده اما، در جدول‌های مذکور، به شیوه منجمان، این ماه سی روز محاسبه شده است. یحیی بن عدی پرسش شخصی را روز آدینه اول محرم ۳۴۱ پاسخ داده است (زریاب خوبی، ص ۵۳۸). اما بنا بر همان جدول‌ها، این روز شنبه است. ابن یونس، (ص ۲۰۹)، در سال‌های پایانی حیات خود، اقترانی را روز پنجشنبه اول ربیع الاوّل ۳۹۳ ثبت کرده است. اما جدول‌های پیش‌گفته این روز را جمعه نشان می‌دهد. احمد نجم‌آبادی، در تقویم خود، اول محرم سال‌های قمری حقیقی از ۱۲۶۸ تا ۱۳۷۵ را با سال‌های میلادی (۱۸۵۱-۱۹۵۵) مطابقت داده که، از آن میان، مبدأ سی و چهار سال یعنی نزدیک به یک سوم آن سال‌ها با جدول‌های ووستنفلد - که به شیوه متوسط تنظیم شده و، در آن، نیز مبدأ سال‌های قمری با میلادی مطابقت داده شده است - یک روز و در موردی دو روز اختلاف دارد (← بیرشک، ص ۲۰۴-۲۰۷). امروزه نیز، در ماه رمضان هر سال، شاهد اختلاف میان سال متوسط (که در تقویم‌ها ثبت است) و سال حقیقی هستیم؛ چنان‌که، در تقویم، شنبه اول ماه رمضان است و، در عالم واقع، جمعه یا یکشنبه. از آنجا که فردوسی «آدینه» هرمزد بهمن را به روش حقیقی به دست داده، انطباق آن به گاهشماری قمری به روش متوسط میسر نیست.

ماه‌های سال ۳۸۹ تا میانه سال ۳۹۳ قمری است و متن آن را به دنبال تحفة الأمراء فی تاریخ الوزرای او به چاپ رسانیده‌اند. صابی، در این کتاب، در آغاز هر سال قمری و هم در ضمن شرح حوادث آن سال، تاریخ را مکرر به تقویم قمری و یزدگردی به دست می‌دهد. ذیلاً دو مورد از آنها را که به کار ما می‌آید، می‌آوریم. وی، در آغاز سال ۳۹۲ قمری، می‌گوید:

أولها يوم الخميس والعشرون من تشرين الثاني سنة ثلاث عشرة و ثلاثمائة وألف لإسكندر و روز اسفندار [۵] من ماه آذر سنة سبعين و ثلاثمائة ليزدجرد. (ص ۴۳۶)

چون پنجشنبه اول محرم ۳۹۲ برابر با ۵ آذر سال ۳۷۰ یزدگردی بوده، پس ۲۹ ذیحجه با روز یکشنبه ۲۸ آبان سال ۳۷۱ یزدگردی برابر می‌شود و «هرمزد بهمن» روز پنجشنبه ۲۷ صفر بوده است^۲ (در این جستار، اندرگاه پیوسته در پایان آبان ماه محاسبه می‌شود). صابی در آغاز سال ۳۹۳ می‌گوید:

أولها يوم الإثنين والتاسع من تشرين الثاني سنة أربع عشرة و ثلاثمائة وألف لإسكندر و روز ماراسفند [۲۹] من ماه آبان سنة إحدى و سبعين و ثلاثمائة ليزدجرد. (ص ۴۸۲)

از اینجا پیداست که صابی سال‌های قمری را حقیقی ثبت کرده است. زیرا، در تقویم‌هایی که به شیوه متوسط تنظیم می‌شوند، روز اول محرم ۳۹۳ را سه‌شنبه می‌نویسند، چون بنا بر روش مرسوم در این تقویم‌ها، سال ۳۹۲ قمری را از سال‌های بهیزکی (مکبوس) به شمار می‌آورند (ذیحجه را سی روز حساب می‌کنند)، لذا دوشنبه را روز سی‌ام ذیحجه ۳۹۲ و سه‌شنبه را روز اول محرم ۳۹۳ می‌شمارند. اما، از گزارش صابی، معلوم می‌گردد که، در سال حقیقی، اول محرم ۳۹۳ روز دوشنبه بوده است. قرائنی درستی آن را تأیید می‌کند: یکی از منجمان معاصر فردوسی، ابن یونس (وفات: ۳۹۹) است. وی، در زیج خود، ده‌ها

(۲) آقای جیحونی، در دیباچه شاهنامه (فردوسی ۴، ص ۳۶)، این روز را «آدینه هرمزد بهمن» دانسته که درست نیست. این روز، در تقویم حقیقی قمری، پنجشنبه بوده است نه جمعه. آیدنلو (ص ۱۰) نیز، با مراجعه به گاهنامه تطبیقی استاد بیرشک، آدینه را با اول بهمن سال ۳۸۷ قمری مطابقت داده و، با کاستن شصت و سه سال از آن، احتیاطاً سال‌های ۳۲۴ تا ۳۳۰ را محدوده زمانی سال تولد فردوسی پیشنهاد کرده است. شایان یادآوری است که، در گاهنامه مزبور، سال شمسی - که به طور متوسط ۳۶۵/۲۴۲۲ روز محاسبه می‌شود - نه سال‌های یزدگردی - که ۳۶۵ روز و بدون کیسه است و مبدأ آن با مبدأ گاهشماری متفاوت است - با سال‌های قمری و میلادی مطابقت داده شده است.

بار تاریخ رسدها و اقتران‌ها و کسوف‌های قمری و خورشیدی را از اوایل قرن سوم تا اواخر قرن چهارم (۲۱۴ق = ۱۹۸ یزدگردی تا صفر ۳۹۸ = آبان ۳۷۶) به تقویم قمری و یزدگردی به دست داده است. وی تاریخ دو اقتران را شش سال پیش از درگذشت خود چنین ثبت کرده است:

إقترنا بعد نصف النهار بإثنتي عشرة ساعة مُعْتَدِلَةً يَوْمَ الْخَمِيسِ أَوَّلِ شَهْرِ ربيعِ الأَوَّلِ سنة ۳۹۳ للهجرة، و يومَ الخَمِيسِ هو الثالثُ و العِشرونَ مِن دَيْمَاهِ سَنَةِ ۳۷۱ لِيَزْدَجُرِد. (ابن یونس، ص ۲۰۹)

چون اول ربیع‌الاول ۳۹۳ روز پنجشنبه بوده است، به حساب قهقرایی، اول محرّم به روز دوشنبه می‌افتد. باز تأکید می‌شود که ابن یونس، مانند صابی، تاریخ‌های قمری را در زمان حیات خود به سال حقیقی به دست می‌دهد که، در این جستار، حایز اهمّیت فراوان است. وی، یک ماه بعد، زمان اقتران دیگری را چنین ثبت کرده است:

إقترنا بعد نصف النهار يَوْمَ الْخَمِيسِ الثَّالِثِ عَشَرَ مِن شَهْرِ ربيعِ الأخر سنة ۳۹۳ للهجرة بأربع عشرة ساعة مُعْتَدِلَةً او نحوها، و يومَ الخَمِيسِ هو الخَامِسُ مِن اسفندارمذ ماه سنة ۳۷۱ لِيَزْدَجُرِد. (همو، ص ۲۱۱)

چون ۱۳ ربیع‌الآخر سال ۳۹۳ روز پنجشنبه بوده، باز به حساب قهقرایی، اول محرّم سال ۳۹۳ به روز دوشنبه می‌افتد. پس گزارش صابی درست است.

ما اکنون دو تاریخ در دست داریم که نشان می‌دهد آدینه هرمزد بهمن با کدام روز و ماه از گاهشماری قمری مطابق بوده است. یکی گزارش صابی است که دوشنبه اول محرّم ۳۹۳ را با ۲۹ آبان ۳۷۱ یزدگردی مطابقت داده است که، در این صورت، ۹ ربیع‌الاول آن سال برابر می‌شود با آدینه اول بهمن ۳۷۱ یزدگردی؛ دیگری گزارش ابن یونس است که، شش سال پیش از درگذشت خود و درست در همان اوان که فردوسی بیت‌های مورد بحث را می‌سروده، به تاریخ حقیقی قمری، پنجشنبه اول ربیع‌الاول ۳۹۳ را مطابق با ۲۳ دی ماه ۳۷۱ یزدگردی نوشته است. بنابراین، هشت روز بعد یعنی ۹ ربیع‌الاول برابر می‌شود با آدینه اول بهمن ۳۷۱ یزدگردی. پس فردوسی بیت «چو آدینه هرمزد بهمن...» را در روز آدینه ۹ ربیع‌الاول ۳۹۳ قمری برابر با اول بهمن ۳۷۱ یزدگردی سروده است.

اینک به سال تولّد فردوسی می‌پردازیم و بهتر است، یک بار دیگر، بیت‌های مورد

نظر را مرور کنیم. فردوسی، در شب اول دی ماه، از سنّ و سال خود یاد نمی‌کند:

[۱] شب اورمزد آمد از ماه دی ز گفتن بیاسای و بردار می

و، پس از سرودن هشتاد و یک بیت، نخستین بار خود را شصت و سه ساله می‌خواند:

[۲] می لعل پیش آور ای روزبه چو شد سال گوینده بر شست و سه

و هفتصد و بیست و هفت بیت پایین‌تر، در روز اول بهمن، شصت و سه سالگی خود را تکرار می‌کند:

[۳] چو آدینه هرمزد بهمن بود بدین کار فرخ‌نشین بود

چو شست و سه شد سال و شد گوش کر ز گیتی چرا جویم آیین و فر

از این بیت‌ها برمی‌آید که فردوسی، در غروب ۳۰ آذر سال ۳۷۱، در روزهای پایانی شصت و دو سالگی خود به سر می‌برده است و، پس از سرودن هشتاد و یک بیت، پا در شصت و سومین سال زندگانی خود گذارده است. اینک این پرسش مطرح می‌شود که شاعر ما این هشتاد و یک بیت را ظرف چند روز سروده است؟ چنان‌که یاد شد، شاپور شهبازی این مدّت را سه روز در نظر گرفته است که قابل اعتماد نیست. لذا فرض را بر این می‌گذاریم که بیت (۲) روز ۷ دی ماه سروده شده است. پس فردوسی، به هنگام سرودن بیت (۲)، وارد شصت و سومین سال زندگانی خود می‌شود. به سخن دیگر، در این هنگام، شصت و دو سال تمام به تقویم یزدگردی را پشت سر گذاشته بوده است. پس وی باید حدود ۷ دی ماه سال ۳۰۹ یزدگردی (نه سال ۳۰۸ که شاپور شهبازی نوشته است) متولّد شده باشد. اول دی ماه سال ۳۰۹ یزدگردی مطابق است با ۸ ربیع‌الثانی سال ۳۳۰ قمری. لذا فردوسی حدود ۱۴ ربیع‌الثانی ۳۳۰ قمری برابر با ۷ دی ماه سال ۳۰۹ یزدگردی متولّد شده است.

در اینجا باید به دو پرسش پاسخ داد. پیشتر دیدیم که از چند بیت شاهنامه برمی‌آید که فردوسی در سال ۳۲۹ متولّد شده است. یکی از مستندات زمان بر تخت نشستن محمود بود که فردوسی خود را، در آن وقت، پنجاه و هشت ساله خوانده بود. اما سنّ فردوسی، در آن وقت، پنجاه و هشت سال تمام نبود؛ زیرا سبکتکین در شعبان سال ۳۸۷ درگذشت (ابن بابیه، ص ۲۵۹) و محمود، در همین ماه یا ماه بعد (رمضان)، برادرش اسماعیل را کنار زد و در بلخ بر تخت پادشاهی نشست. لذا، سنّ فردوسی، در آن هنگام، پنجاه و هفت سال و

حدود پنج ماه بوده است و اینکه خود را پنجاه و هشت ساله خوانده درست است و ضبط مصراع در چاپ مسکو: «بدان‌گه که بُد سال پنجاه و هفت» (فردوسی ۲، ج ۵، ص ۲۳۷، بیت ۴۵) درست نیست مگر آنکه شاعر حدود پنج ماه از عمر خود کاسته باشد. مستند دیگر ابیاتی در پایان شاهنامه است متضمن اشاره به سال‌های عمر شاعر (چو سال اندر آمد به هفتاد و یک؛ زهجرت شده پنج هشتاد بار) که، بنابر آنها، فردوسی در حدود ۱۴ ربیع‌الثانی سال ۴۰۰ هجری هفتاد سال تمام از عمر خود را گذرانده بوده و این بیت‌ها را باید پس از این تاریخ سروده باشد. خوشبختانه، در این بیت‌ها، قرینه‌ای هست که مطلب را روشن می‌سازد. پیش از بیت آخر شاهنامه می‌گوید:

سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سپندارمذ روز آرد

که منظور ۲۵ اسفند سال ۳۷۸ یزدگردی برابر با ۲۰ رجب سال ۴۰۰ هجری است. در این هنگام، سن فردوسی به تقویم قمری هفتاد سال و حدود سه ماه بوده و اندر آمده بوده است به هفتاد و یکمین سال زندگانی عمر خود.

به گمان نگارنده، باید از قید تعیین روز تولد فردوسی گذشت و به ماه آن بسنده کرد: ۱۴ ربیع‌الثانی سال ۳۳۰ با ۷ دی سال ۳۰۹ یزدگردی و ۲۱ دی سال ۳۲۰ شمسی مطابق است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که ربیع‌الثانی ۳۳۰ قمری و دی ماه ۳۲۰ شمسی به عنوان زمان تولد فردوسی در نظر گرفته شود و سال ۳۲۹ که تقریبی است کنار گذاشته شود. ناگفته نماند که خالقی مطلق (ص ۳-۲۵)، بر اساس اختیار سال ۳۲۹ به عنوان سال تولد فردوسی کوشیده است تاریخ سرایش داستان‌های شاهنامه را مشخص سازد و، در موردی (ص ۹)، با تناقض روبرو گشته و موجب آن را «نیاز قافیه و اینکه شاعر اعداد را چندان دقیق به کار نبرده است» دانسته است. اما اگر سال ۳۳۰ مبنای پژوهش قرار گیرد، آن تناقض رفع و تاریخ سرایش داستان‌ها نیز دقیق‌تر می‌شود.

منابع

- آیدنلو، سجاد، «چو آدینه هرمزد بهمن بود»، جستارهای ادبی، سال ۴۴ (۱۳۹۰)، ش ۳، ص ۱-۱۴.
 ابن بابیه، ابوالعباس احمد بن علی، رأس مال النذیم، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۸.
 ابن جُبَیْر، محمد بن احمد، سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۰.

- ابن یونس، علی بن عبدالرحمن، الزیج الکبیر الحاکمی، به تصحیح و ترجمه کُسن (Caussin)، پاریس ۱۸۰۴. بتانی، محمد بن سنان، الزیج الضابی، به تصحیح نالینو، رُم ۱۸۹۹.
- بیرشک، احمد، گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷.
- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه اکبردانا سرشت، ابن سینا، تهران ۱۳۵۲.
- تقی زاده، حسن، گاهشماری در ایران قدیم، مجلس، تهران ۱۳۱۶.
- خالقی مطلق، جلال، «نگاهی تازه به زندگینامه فردوسی»، نامه ایران باستان، ش ۱۱-۱۲ (۱۳۸۵)، ص ۳-۲۵.
- ریاحی، محمدامین، «سالشماری زندگی فردوسی و سیر تدوین و تکمیل شاهنامه»، هفتاد مقاله، ج ۲، اساطیر، تهران ۱۳۷۱.
- زریاب خویی، عباس، «کتابخانه مجلس شورای ملی»، شط شیرین پرشوک، به اهتمام میلاد عظیمی، مروارید، تهران ۱۳۸۷.
- شاپور شهبازی، علیرضا، «زادروز فردوسی»، نیمروز از این پس که من زنده‌ام، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۴.
- صابی، هلال، تحفة الأمراء فی تاریخ الوزراء و یلیه الجزء الثامن من کتاب التاریخ، مطبعة الآباء الیسوعیین ۱۹۰۴.
- صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳.
- فردوسی (۱)، ابوالقاسم، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق (و همکاران)، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۶.
- (۲)، شاهنامه، به تصحیح رستم علی‌یف، انتشارات دانش، مسکو ۱۹۶۷.
- (۳)، شاهنامه، به تصحیح ژول مول (مقدمه)، کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۶۹.
- (۴)، شاهنامه، به تصحیح مصطفی جیحونی، شاهنامه‌پژوهی، اصفهان ۱۳۷۹.
- فرغانی، محمد بن کثیر، کتاب فی الحركات السماویة و جوامع علم النجوم، به تفسیر یعقوب غولیوس، آمستردام ۱۶۶۹.
- قطان مروزی، ابوعلی حسن بن علی، کیهان شناخت، به تصحیح و تحقیق علی صفری آق‌قلعه، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۰.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا، زادروز فردوسی، پژوهش‌های ایرانی، تهران ۱۳۸۴.
- منهاج سراج، طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحمید حبیبی، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۳.
- ووستنفلد، فردیناند و ماهر، ادوارد، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدید نظر از حکیم‌الدین قریشی، فرهنگسرای نیاوران، تهران ۱۳۶۰.
- همای، جلال‌الدین، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات فروغی، (بی تا).

